

بررسی حقوق کیفری ولگردی کودکان کار و حکم قانونی آنها

ارژنگ رشیدیان

گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

چکیده

بزهکاری کودکان از دیرباز مورد توجه متخصصین حقوق جزا و روانشناسان کیفری و متخصصین تعلیم و تربیت بوده است. ریشه بزهکاری آنان را فقر، فقدان تعلیم و تربیت صحیح، اختلاف بین والدین، بی سوادی، بیکاری، ولگردی و... ذکر کرده اند. درخواست مقرون به تحریک حسّ خیرخواهی و انسان دوستی از دیگری به صورت تصریحی یا کنایه، برای تملیک بلاعوض مال یا آنچه ارزش مالی دارد، به درخواست کننده یا منسوبین وی، که گاه در حالت تظاهر به فقر توسط متکدی صورت می پذیرد. ولگرد به معنی کسی که وسیله معاش معلوم ندارد و از روی بی قیدی و تنبلی در صدد تهیه کار برای خود بر نمی آید، می باشد. شناخت متکدیان، ولگردان، جرم انگاری، احکام تکلیفی و وضعی، علل پیدایش، راههای پیشگیری، گونه های مشروع و غیرمشروع، اقسام و انواع آن، برای دولت و ملت، لازم و ضروری به نظر می رسد. نتایج حاصل از نگارش این پژوهش نشان می دهد از ظرفیتهای و حقوقی ولگردی امری مذموم و حرام می باشد، انتشار تکدی و ولگردی در جامعه دارای عواملی چون مهاجرت، از بین رفتن کانون خانواده، اعتیاد، عدم تحقق عدالت اجتماعی، فقر و بی کاری، عدم نگرش منفی جامعه نسبت به آن و راحت طلبی، اختلالات روانی و جسمی است. اصلاح خانواده ها، نظارت بر رشد جمعیت، ایجاد کارگاه های آموزشی، ایجاد اشتغال برای متکدیان و ولگردان و برخورد جدی با متکدیان متخلف و ولگردان توسط قوه قضائیه و ارگانهای مربوطه نیروهای امنیتی و انتظامی راه حل های مقابله با تکدی و ولگردی و کاهش آن است.

واژگان کلیدی: تکدی، ولگردی، بزه دیدگی کودکان کار.

مقدمه

ولگردی و بیکاری و تنبلی در تمام مذاهب و طریقه‌ها و نوشته‌های فلاسفه و ادبا مذموم شناخته شده و جزء معایب به شمار رفته است. در همه جای دنیا در همه وقت عده‌ای پیدا شده و می‌شوند که کار را مایه، سربلندی، آزادی بی نیازی راحت تشخیص نداده و پیرامون آن نگشته‌اند برعکس در تن، آسایی تنبلی و ولگردی و اعاشه از قبل دیگران لذت مخصوص یافته‌اند. در اروپا در اواخر قرون وسطی عده کثیری بیکار و ولگرد موجود بوده که خود را با اسم زائر مسافر، سیاح، دعانویس کف، بین غیب‌گو معرفی کرده و از کیسه دیگران زندگانی می‌کرده‌اند. ولگردی جرم است و در قانون مجازات عمومی هر کشور در ستون جنبه‌های مهم قرار دارد. فلسفه گناه بودن آن هم واضح است؛ انسان ولگرد طفیلی بودن را پیشه خود ساخته و تنبل و تن پرور می‌شود. از طرفی اصل اقتصادی و اجتماعی بزرگی مورد اتفاق است که به موجب آن انسان همیشه طالب کمترین رنج و بیشترین سود و منفعت است. از این رو، شخص ولگرد که بر اثر همان بیکاری و راحت طلبی قدرت فعالیت و کار خود را از دست داده، نهایت آرزو و فکرش این است که از زحمت و رنج دیگران بهره‌مند شده و بدون سعی و تلاش زیاد منافع سرشاری نصیب خود گرداند، ولی از آنجا که این اشخاص به تجربه دیده اند نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود و به جزء انجام فعالیت و از راه مشروع تحصیل مال ممکن نیست اگر نخواهند از فقر و نداری از بین بروند ناگزیرند افکار خود را به راه‌های بد و خلاف متوجه و از تعدی به حقوق دیگران و ارتکاب جرایم زندگی خویش را تأمین نمایند. به همین جهت است که قانون بیکاری و ولگردی را جرم تشخیص و در عداد خلاف قرار داده است.

مسئله ولگردی بعد از جنگ بین المللی بیشتر مورد توجه قانون گذران و قوه مجریه واقع گردید. از بررسی دقیق و تجربه که از روی آمار جزایی به دست آمده معلوم گشته عمل مزبور مادر جرایم دیگری است و بر اثر آن است که ولگردان گرد هم جمع و ارتکاب به جرایم شدید را با هم تباتی و انجام می‌دهند، به طوری که وقتی در سوابق جزائی و اخلاق و علل مؤثر وقوع جرایم دقت کردند به خوبی دریافتند که بیشتر مجرمین در گذشته ولگرد و بی کاره و یا اگر دارای شغلی بوده‌اند. در نتیجه، حوادث مختلفی از بحران اقتصادی یا علل اجتماعی یا توسل به امور جزائی دست از شغل خویش کشیده و شربت مفت خواری را چشیده ولگردی را شعار خود قرار داده‌اند. امروزه ولگردی یکی از پدیده‌ها و معضلات شهرنشینی است. اگر نگاهی به سطح شهرها خصوصاً کلان شهرها داشته باشیم جوانانی را می‌بینیم که بدون داشتن هدف در خیابان‌ها و معابر مشغول ولگردی هستند. خیل این ولگردان که با کسبه و اشخاص نیمه بی‌کار یا عامل دیگر مخلوط و مخروج می‌شوند منظره خاصی به خیابان‌ها می‌دهند به طوری که دو نوع بیکاری می‌توان تشخیص داد:

- بیکاری آشکار که بیشتر در شهرها دیده می‌شود و صورت ادواری دارد.
- بیکاری پنهان که هم در شهرها و هم در روستاها وجود دارد.

یعنی در عین افراد مشغول کار هستند کار آنها نه از لحاظ درآمد ملی و اقتصاد عمومی کشور نافع است و نه اینکه از لحاظ فردی ایشان را اقناع می‌کند. به عبارت دیگر، بیکاری پنهان عبارت است از وضعی که در آن حتی اگر تکنیک‌های کشاورزی وضع قبلی خود را نگه دارد می‌توان عده‌ای از کشاورزان را از کار زمین دور کرد بی‌آنکه سطح تولید پایین آید. در شهرها این بیکاری به صورت کسانی که در خیابان‌ها خرده فروشی می‌کنند و یا به کارهای حقیر دیگر می‌پردازند.

ولگردی رهایی از مقررات رایج اجتماع می باشد ضمن آنکه ولگردی را می توان بی اعتنایی به مسائلی دانست که برای رسیدن به هدف های اجتماعی لازم و ضروری هستند؛ ولگرد آدمی حاشیه نشین و مطرود اجتماع است طیف آن محسوب می شود، مقررات اجتماع را رعایت نمی کند.

۲- ارکان تشکیل دهنده جرم ولگردی

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی در خصوص ولگردی ماده قانونی (۷۱۲) در فصل بیست و هشتم گنجانده شده که بیان می دارد هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید و یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود، علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد.

۱-۲- رکن مادی جرم ولگردی

در رابطه با عنصر مادی و معنوی جرایم ولگردی تکدی و کلاشی به این نکته باید اشاره شود که چون قانون گذار ما در مواد ۷۱۲ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی تعریفی از این جرایم ارائه نداده است. بنابراین، برای شناخت عنصر مادی و معنوی این جرایم علاوه بر توجه به معنای لغوی آنها باید به عرف نیز مراجعه کنیم. برای روشن تر شدن موضوع به چند نمونه از جرایم که قانون گذار از آنها تعریف ارائه کرده است اشاره می کنیم: مثلاً در جرم کلاهبرداری قانون گذار گوید هرکس با توسل به عملیات متقلبانه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب می شود. یا در مورد جرم سرقت قانون گذار می گوید هرکس مال دیگری را به طور مخفیانه برباید سارق محسوب می شود، اما قانون گذار در رابطه با جرایم، ولگردی تکدی و کلاشی هیچگونه تعریفی ارائه نداده است. به عبارت دیگر، قانون گذار به عنوان مثال نگفته هرکس چه کاری انجام دهد کلاش است یا هرکس چه کاری انجام دهد متکدی یا ولگرد است. بنابراین، با توجه به توضیحات فوق عناصر مادی و معنوی این جرایم را باید از طریق مراجعه به معنای لغوی و عرف به دست آورد.

- عمل مرتکب: فعل مثبت شخصی است که بدون داشتن هدف، درآمد و اقامتگاه معین مدام در معابر و خیابان ها در حال ولگردی است.

- نداشتن شغل یا کار یا وسیله تأمین معاش: یکی دیگر از شرایط لازم برای احراز ولگردی این است که شخص آواره و فاقد اقامتگاه دارای شغل یا، کار یا وسیله ای برای امرار معاش و گذراندن زندگی روزمره خود نباشد. بنابراین، هرگاه کسی به طور روزانه یا هفتگی یا ماهیانه از یک سازمان یا مؤسسه یا از ناحیه اشخاصی چون والدین و غیره وجهی را به طور مستمر دریافت می کند ولگرد محسوب نخواهد شد. همین طور فروشندگان دوره گرد که محل اقامت و درآمد ثابتی ندارند نمی توان آن ها را در طبقه ولگردان قرار داد.

- موضوع جرم: جرم ولگردی از جرایم مطلق می باشد که با صرف تحقق عنصر مادی و وجود سوءنیت عام محقق می شود، ولی باید دانست که در اثر تحقق این جرم آسایش عمومی به هم می خورد. در نتیجه، سلب آسایش و امنیت و نظم عمومی موضوع جرم ولگردی است.

۲-۲- رکن روانی جرم ولگردی

به اعتقاد غالب حقوق دانان وجود یک عمل مادی که قانون آن را جرم شناخته است برای احراز مجرمیت بزهکار و مجازات وی کافی نیست. بزهکار باید از نظر روانی یا بر ارتکاب جرم انجام یافته قصد مجرمانه و عمد داشته باشد جرایم عمدی (و یا در اجرای عمل به نحوی از انحا و بی آنکه قصد منجزی بر ارتکاب بزه از او سر بزند خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی در صورت وجود این مسئولیت) شناخت (جرایم غیر عمدی). باتوجه به مفهوم عنصر روانی جرم و تطبیق آن در جرم ولگردی، لازم است بدانیم عنصر معنوی این جرم به چه نحو، بوده چون جرم ولگردی با توجه به خصوصیات آن از جرایم عمدی محسوب می شود؛ یعنی قصد مجرمانه یا سوء نیت در تحقق آن ضرورت دارد پس باتوجه به عمدی بودن این جرم احراز سوء نیت برای اثبات آن لازم به نظر می رسد. برای تحقق جرم ولگردی عمد عام کافی است وجود عمد خاص برای تحقق آن لازم نیست. همین که شخص اعمال مادی جرم را با عمد انجام دهد کفایت نموده و احراز عمد خاص مانند کلاه برداری یا قتل، لازم نمی باشد. در واقع جرم ولگردی از جرائم عمدی می باشد و برای اثبات مجرمیت مرتکب احراز علم و آگاهی او مبنی بر ممنوعیت قانونی عمل ارتكابی که به انجام رسانیده است کفایت می کند.

برخی حقوقدانان عنصر معنوی این جرم را سوء نیت عام دانسته اند و در این خصوص پرفسور گارو میگوید آنچه را قانون به عنوان ولگردی جرم دانسته و مجازات مینماید عبارت است از پذیرش ارادی نوعی زندگی که از نظر اجتماعی خطرناک می باشد». با توجه به توضیحات داده شده باید بیان شود که ولگردی از جرائم عمدی است و تحقق عنصر روانی آن مانند هر عمل مجرمانه دیگری وابسته به آن است که مرتکب از روی علم و آگاهی ارتکاب فعل مثبت را که همان ولگردی است در عالم خارج بروز دهد و همین عمل او کاشف از قصد مجرمانه او باشد برای جرم شناختن او کافی است و برای احراز مجرمیت مرتکب جرم ولگردی نیازی به اثبات عمد خاص مرتکب یعنی خواستن حصول نتیجه ضرورتی ندارد بلکه همان اندازه علم و آگاهی مرتکب جرم ولگردی نسبت به عمل غیرقانونی و نامشروع خود عمد (عام برای احراز مجرمیت و مسئول شناختن او) کفایت می کند. چنانچه مرتکب جرم ولگردی مدعی اجبار و غیره باشد و بتواند آنرا به دادگاه ثابت نماید از مسئولیت کیفری مبری می شود. نتیجتاً باتوجه به مراتب فوق جرم ولگردی از جرائم عمدی است و سوء نیت خاص لازم ندارد.

۳- ویژگی های اختصاصی جرم ولگردی

۳-۱- مشهود بودن

قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب جرم مشهود را تعریف نکرده است. قانون اصول محاکمات جزایی نیز از جرم مشهود تعریفی ارائه ننموده بود. هر دو قانون به ذکر مصادیق عملی آن اکتفا کرده‌اند. قانون آئین دادرسی جدید به حق می‌بایست تحول زمان و نظریه‌های نو را لحاظ می‌کرد؛ ولی نه تنها دیدگاه‌های جدید در این قانون مورد توجه واقع نشده است، بلکه مصادیق جرم مشهود را افزایش داده است. جرم مشهود همان گونه که از نامش پیدا است جرمی است که وقوع یا اثر آن مورد مشاهده ضابطان دادگستری قرار گیرد. به عبارت دیگر، مراد از جرم مشهود جرمی است که در زمان ارتکاب یا اندکی بعد از وقوع جرم می‌توان مرتکب آن را دستگیر و دلایل آن را جمع آوری کرد و مقصود از جرم غیر مشهود نیز جرمی است که از زمان وقوع آن مدت نسبتاً زیادی گذشته است و سپس مأمورین از وقوع مطلع مأمورین از وقوع مطلع می‌شوند در جرم غیر مشهود غالباً دلایل و مدارک ارتکاب صحنه جرم به دست نمی‌آید به استناد بند ۶ ماده ۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری جرم ولگردی از جرایم مشهود است.

۳-۲- عمومی بودن

طبق قانون یک جرم می‌تواند دو جنبه ایجاد حق علیه مجرم باشد. یکی جنبه عمومی به لحاظ اختلالی که در نظم جامعه به وجود آمده و دیگری جنبه خصوصی از جهت ضرر و زبانی که به اشخاص وارد شده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تشخیص جرایم عمومی از جرایم خصوصی قدری مشکل به نظر می‌رسد؛ زیرا این جرایم در هیچ یک از مواد قانونی به نحو حصری ذکر نشده بودند، ولیکن در سال ۱۳۷۵ تحولی شگرف در قانون مجازات اسلامی ایجاد شد. ماده ۷۲۷ این قانون مقرر می‌دارد. جرایم مندرج در مواد، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، قسمت اخیر ماده ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۲۲، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه تواند در مجازات مرتکب تخفیف می‌دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید.

با تصویب این ماده قانونی تا حدودی جرایم خصوصی و عمومی از یکدیگر تفکیک گردیده اند، و چون مواد ۷۱۲ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی در ماده مذکور ذکر نگردیده‌اند نتیجه می‌گیریم که ولگردی باتوجه به مشخصات و ویژگی‌های آن از جرایم عمومی محسوب می‌شود و تعقیب آن به عهده مدعی العموم می‌باشد و با گذشت شاکی خصوصی تعقیب آن متوقف نخواهد شد.

۳-۳- اعتیادی بودن

جرم به عادت یا اعتیادی جرمی است که عنصر مادی آن متضمن ارتکاب چند عمل مجرمانه است ولی هر یک از آن اعمال به تنهایی قابل تعقیب نیست، بلکه از مجموع آنها عنصر به وجود می آید. به دیگر سخن جرم به عادت جرمی است که از تکرار عادت مادی جرم به چند عمل مشابه و پی در پی حاصل گردد بی آنکه عنوان تکرار جرم پیدا کند. به عبارت دیگر، مقصود از جرایم به عادت جرایمی هستند مانند جرایم ساده که با تشکیل عناصر جرم زاده می شوند ولی مجازات آنها مشروط به آن است که چند بار و به کرات انجام شود و به شکل عادت درآید بی آنکه ضرورتاً عنوان خاص تکرار جرم پیدا کنند. به طور کلی، در این قبیل، جرایم تکرار عمل معین شرط تحقق جرم است، به این معنی که ارتکاب عمل معین برای یک، مرتبه جرم نیست بلکه جرم به عادت وقتی محقق می شود که عمل به کرات به وقوع پیوسته باشد. جرم به عادت مرکب از چند عمل مشابه است که هر یک به تنهایی جرم نیست. نکته دیگری که در رابطه با جرم به عادت باید بیان شود این است که جرایم به عادت با چند بار تکرار، جرم محسوب می شوند، در اینکه عادت با تکرار چند مرتبه صدق پیدا می کند اختلاف است و باید به عرف مراجعه شود و بعضی آن را با تکرار دوبار قابل تحقق دانسته اند به نظر می رسد که رویه قضایی ایران دوبار تکرار را برای تحقق جرم اعتیادی کافی دانسته است. در نتیجه، جرم به عادت جرمی است که با حداقل دو بار تکرار شکل می گیرد و اجزاء تشکیل دهنده آن باهم شباهت کامل داشته و هیچ یک مقدمه دیگری محسوب نمی شود. به عبارت دیگر، تکرار یک عمل واحد است که جرم به عادت را به وجود می آورد. با توجه به آنچه گفته شد آیا ولگردی جرمی اعتیادی است یا خیر؟ ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد که: «هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا ۳ ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد. ماده ۲۷۳ قانون مجازات عمومی در خصوص ولگردی بیان می دارد که: «کسانی که وسیله معاش معلوم ندارند و از روی بی قیدی و تنبلی درصدد تهیه کار برای خود برنمی آیند ولگرد محسوب میشوند ولگردی خلاف و مجازات آن مطابق باب چهارم قانون کیفر عمومی است.

برخی حقوقدانان عقیده دارند که جرایم، ولگردی تکدی و کلاشی، اعتیادی بوده بنابراین تکرار عمل به حدی که عرفاً به صورت شغل درآید لازم است. برخی دیگر اظهار نموده اند که با توجه به عناصر تشکیل دهنده جرم ولگردی اطلاق جرم اعتیادی بر آن بعید به نظر می رسد آنها ولگردی را جرم حالت می دانند، از آن جهت که شرط تحقق جرم اعتیادی ارتکاب رفتار مجرمانه لااقل دوبار می باشد که در خصوص جرم ولگردی مصداق پیدا نمی کند به نظر اینجانب ولگردی مانند تکدی گری از جرایم اعتیادی می باشد به عبارت دیگر ولگرد باید عمل ولگردی را تکرار نماید تا بتوان آن شخص را به عنوان فردی ولگرد تلقی نمود و این نظر بیشتر از قانون استنباط می شود.

۳-۴- نداشتن اقامتگاه مشخص

ویژگی دیگر جرم ولگردی این است که مرتکب آن لزوماً محل اقامت و زندگی ثابتی ندارد و به کانون خانواده وابسته نیست و فاقد موقعیت اجتماعی است و غالباً به صورت گمنام زندگی می کنند. بنابراین، هرگاه بر دادگاه معلوم گردد که

کسی برای اشتغال به کار از محلی به محل دیگری مهاجرت کرده ولی هنوز موفق به پیدا کردن کار مناسبی نشده باشد در چنین وضعی ولگرد محسوب نمی شود.

۴- مجازات جرم ولگردی

قانون مجازات عمومی سابق در ماده ۲۷۳ ولگردی را تعریف و بیان می دارد که «کسانی که وسیله معاش معلوم ندارند و از روی بی قیدی و تنبلی در صدد تهیه کار برای خود بر نمی آیند ولگرد محسوب می شوند ولگردی خلاف و مجازات آن مطابق باب چهارم قانون جرم است». کیفر عمومی این ماده ولگردی را خلاف تشخیص داده است و ماده ۲۷۶ همان قانون مجازات ولگردی را طبق نظام نامه ای که تصویب خواهد شد معین می کند که بند ۱۱ ماده ۳ اولین نظام نامه امور خلافی کسانی که با وجود قدرت و استطاعت جسمانی تکدی و ولگردی را پیشه خود قرار داده از این راه زندگی نماید به پنج روز تا یک هفته حبس تکذیری یا به سه تومان و یک قران الی پنج تومان غرامت محکوم می نمود. آئین نامه فوق در مورخ ۲۲/۵/۱۳۲۴ اصلاح و در اصلاحیه آن مقرر گردیده است که اشخاص زیر به هفت روز تا ده روز حبس تکذیری و از صد تا دویست ریال غرامت محکوم می گردند که از جمله این اشخاص طبق بند ۱۱ قانون، کسانی که طبق ماده ۲۷۳ اصلاحی قانون کیفر عمومی ولگرد محسوب شوند می باشد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون جدید مجازات ها به حدود، قصاص، دیات تعزیرات و مجازات های بازدارنده تقسیم گردیدند و عناوین، خلاف، جنحه و جنایت دیگر کاربردی نداشت، در خصوص جرم ولگردی نیز در قانون راجع به مجازات اسلامی ماده قانونی خاصی وجود نداشت و قانون در این خصوص ساکت بود. در سال ۱۳۷۵ با اصلاح قانون تعزیرات قانون گذار در ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی ولگردی را جرم دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده این ماده مقرر میدارد که هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آورده است مصادره خواهد شد». لذا همان طور که در متن ماده فوق الذکر قید گردیده است مجازات تعیین شده برای ولگردی یک تا سه ماه حبس میباشد که به موجب بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ حبس تعیناتی به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال (۷۰۰۰۱) تا یک میلیون ریال (۱۰۰۰۰۰۰) تبدیل می گردد. بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مقرر میدارد که در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از نود و یک روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد از این پس، به جای حبس یا مجازات تعزیری حکم به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال صادر می شود. نتیجه اینکه هرچند در متن قانون برای جرم ولگرد حبس تعیین شده است لیکن مفاد بند یک ماده سه قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین حبس کاربردی نداشته و قاضی رسیدگی کننده مکلف است که آن را به جزای نقدی تبدیل نماید در اصل می توان گفت که مجازات ولگردی جزای نقدی است.

۵- ولگردی اطفال و حکم قانونی آنها

ولگردی صغار (اطفال) عبارت است از حالت اتخاذی اطفالی است که اقامتگاه قانون خود را در اقامتگاه ابوبین یا قیم یا اماکنی را که قانوناً به آنجا سپرده شده اند ترک کرده یا از طرف ابوبین یا قیم رها شده‌اند و در ظرف زمانی به خصوص در حال آوارگی و سرگردانی یا سکونت غیر موجه در اماکنی پیدا شوند و نیز منظمأً به کارآموزی در حرفه و صنعتی اشتغال نداشته و از راه هرزگی و فحشا یا اشتغال به حرفه ممنوع تحصیل درآمد می‌کنند». در ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی برای ولگردی مجازات حبس از یک تا سه ماه مشخص و تعیین شده است. با توجه به ماده مذکور سوال اصلی مطرح می‌شود که در صورت ولگردی اطفال حکم قانونی آنها چیست؟ در شریعت اسلام چنانکه می‌دانیم یکی از ارکان مسئولیت کیفری ادراک است. کودک آنچه می‌کند عاجز است. انسانی هنگام تولد از درک و فهم آنچه در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی از کلمه اطفال به طور مطلق نام برده شده است همین ماده طفل را کسی می‌داند که به حد بلوغ شرعی نرسیده بنابراین معیار قانونگذار در این موضوع صرفاً رسیدن فرد به سن مشخصی است و رشد و پرورش قوای عقلانی وی حتی اگر هنوز به سن بلوغ نرسیده باشد باعث مسئول شناختن وی از طرف قانونگذار نمی‌شود در نتیجه بر خلاف قانون مدنی که در بحث امور مالی و غیرمالی از عناوین صغیر ممیز و غیر ممیز اسم برده، ما چنین تقسیم بندی در مباحث جزایی نداریم و باتوجه به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی باید گفت طفل کسی است که به سن بلوغ شرعی نرسیده چه ممیز باشد و چه غیر ممیز. در نتیجه به استناد ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی اطفال در صورت ارتکاب جرم از مسئولیت کیفری مبری هستند و در حقیقت صغر به طور مطلق از عوامل رافع مسئولیت کیفری است. ماده مذکور به طور مطلق و بدون قید ذکر شده است و به موجب کلمه «جرم» در اخیر اطفال در صورت ارتکاب هر جرمی فاقد مسئولیت هستند به استثناء مواد ۱۱۳ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی اطفال را فاقد مسئولیت کیفری می‌داند اما عدم مسئولیت طفل به معنای رها کردن و به حال خود وا گذاشتن طفل نمی‌باشد بلکه دادگاه این اختیار را دارد که با توجه به اوضاع و احوال در خصوص تربیت طفل اتخاذ تصمیم نماید و در صورت لزوم این وظیفه را به عهده کانون اصلاح و تربیت بگذارد. همچنین هرگاه برای تربیت او (طفل) تنبیه بدنی ضرورت داشته باشد به میزان مصلحت قاضی حکم به آن می‌دهد.

۶- نتیجه گیری

بزهکاری و به عبارتی ارتکاب جرایم پدیده‌ای است غیر قابل انکار، مخصوصاً در عصر حاضر بزهکاری با توجه به افزایش جمعیت در حال افزایش و فزونی می‌باشد. داشتن این ادعا که ما میتوانیم ریشه جرایم را خشکانده و از بین ببریم صرفاً ادعا و سخنی گزاف می‌باشد و عملاً انجام چنین امری میسر نمی‌باشد ولی می‌توان از طریق برخورد قانونی و سیاست پیشگیرانه جرم شناختی از ارتکاب بعضی جرایم جلوگیری یا ارتکاب آنها را به حداقل برسانیم. چنانچه بخواهیم از افزایش جرم ولگردی بکاهیم اولین گزینه بهبود وضع اقتصادی میباشد در جامعه‌ای که افراد نه تنها شغل مورد علاقه خود را نمیتوانند انتخاب کنند بلکه حتی شغلی ندارند که بتوانند وضع اقتصادی خود و خانواده خود را سامان دهند چگونه

می‌توان با پدیده ولگردی مبارزه کرد در خصوص بحث مهاجرت نیز با ساماندهی وضعیت و مناطق دور افتاده و بهره مند ساختن آنان از امکانات بیشتر می‌توان از اشتیاق مهاجرت روستاییان به شهرها کاست. موضوع دیگر آموزش خانواده‌ها می‌باشد که این امر می‌بایست با دقت بسیار مورد توجه مسئولین کشور قرار گیرد روشهای، فرهنگی آموزش والدین و مشاوره با آنان در مواقع بروز مشکلات می‌تواند جو حاکم بر خانواده‌ها را تلطیف و مناسب نماید. زیرا فرزندی که محیط خانه را امن دانسته و محیط خانه را به محیط وحشتناک بیرون ترجیح دهد به هیچ وجه رو به بزه ولگردی نمی‌آورد. جرم تکدی نیز همانطور که عناصر و مشخصات آن ذکر شد، دارای سابقه تاریخی در فرهنگ جامعه ما می‌باشد در ابتدا تکدی به عنوان جرم تلقی نمی‌گردید و در قانون مجازات عمومی (سابق) خلاف محسوب و برای آن مجازات تعیین شده بود. در سال ۱۳۷۵ در ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی تکدی جرم شناخته شد و برای آن مجازات شدیدتری مقرر گردید به خصوص در مواردی که از کودکان به عنوان امر تکدی استفاده شود.

عوامل زیادی باعث به وجود آمدن این جرم می‌شود که در این پژوهش ذکر شده است که از آن جمله می‌توان به عواملی که باعث جرم ولگردی میشوند اشاره کرد. اما بعضی از عوامل اختصاص به این جرم دارد که میتوان به پیری و ناتوانی جسمی افراد اشاره کرد چون بسیاری از افراد جامعه که از حمایت تأمین اجتماعی و خدمات درمانی مناسب برخوردار نباشند به محض این که از کار افتاده شوند و توانایی کار نداشته باشند مجبورند جهت تأمین معاش خود اقدام به تکدی نمایند همچنین است افرادی که دارای معلولیت جسمی هستند و توسط هیچ نهادی حمایت نمیشوند این دسته از افراد نیز برای تأمین قوت لایموت خویش مجبور به تکدی می‌شوند. در این زمینه دولت باید افراد نیازمند به هر دلیل را چون معلول جسمی، پیری ناتوانی را شناسایی کند و از آنها حمایت‌های لازم را به عمل آورده و دیگر اینکه از لحاظ فرهنگی در اذهان عمومی تحولی ایجاد نمایند مبنی بر این که تکدی عمل زشت می‌باشد و همه باید به دیده یک معضل اجتماعی به آن نگاه نمایند. همچنین پیشنهاد می‌گردد قانونگذار به کمک اهل فن و متخصصین از جمله حقوق، دانان جامعه شناسان، روانپزشکان مددکاران، اجتماعی قضات و غیره راه حل اساسی به مبارزه با جرائم ولگردی برآید که آن ایجاد سازمانی هماهنگ به نام سازمان مبارزه با معضلات اجتماعی که متشکل از تمام سازمانهای قضایی و اجرایی ذی ربط باشد، تشکیل گردد که برای این منظور اولاً باید از جرائم ولگردی جرم زدایی گردد و ثانیاً از طریق قوانین و سازمانهای ذکر شده به طریق اجتماعی و فرهنگی مبارزه گردد.

منابع و مأخذ

- ۱- اخوی، علی اکبر ولگردی و تاثیر آن در شیوع گناهان مجله حقوق دادگستری، دوره دوم، شماره ۳۶، تهران، ۱۳۳۴.
- ۲- افراسیابی، محمد اسماعیل بیکاری و ولگردی در شهرها، ماهنامه قضایی، دوره ششم، شماره ۷۰، تهران، ۱۳۵۰.
- ۳- آخوندی، محمود، ۱۳۹۰، آئین دادرسی کیفری جلد چهارم اندیشه‌ها، چاپ سوم، دانشگاه قم، انتشارات اشراق.
- ۴- آخوندی، محمود، ۱۳۹۰، آئین دادرسی کیفری جلد اول، چاپ شانزدهم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۵- آشوری، محمد، ۱۳۹۱، آئین دادرسی کیفری جلد اول، چاپ شانزدهم، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۶- اردبیلی، محمد علی، ۱۴۰۰، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجاه و پنجم، تهران، نشر میزان.
- ۷- آنسل، مارک، ۱۳۷۵، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- استفانی، گاستن لواسور، ژورژبولک، برنار، ۱۳۷۸، آئین دادرسی کیفری، جلد دوم، ترجمه دکتر دادبان، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۹- استفانی گاستون و همکاران، ۱۳۷۷، حقوق جزای عمومی، ترجمه دکتر حسن دادبان، جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۰- بیانی، نصرت الله گدایی و ولگردی ماهنامه قضایی، دوره هفتم، شماره ۸۱ تهران، ۱۳۵۸.
- ۱۱- بولک، برنار، ۱۳۹۱، کیفر شناسی ترجمه نجفی ابرند آبادی چاپ هشتم، انتشارات مجد.
- ۱۲- دانش، تاج، ۱۳۷۲، زمان اطفال و جوانان بزهکار، موسسه تهران تایمز.
- ۱۳- حجتی، سید مهدی تحول واکنش اجتماعی در قبال بزهکاری اطفال، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۵، ۱۳۸۰.
- ۱۴- حسین نژاد، حسینقلی دفاع اجتماعی یا نظری کوتاه درباره حقوق کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹، ۱۳۷۰.
- ۱۵- خمینی، حضرت آیت الله العظمی روح الله، ۱۴۰۱، تحریر الوسیله، جلد دوم، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات.
- ۱۶- ریموند، گسن، جرم شناسی، نظری ترجمه مهدی کی نیا، انتشارات علمی مجد، شماره ۱۲، ۱۳۷۴.
- ۱۷- ریموند، گسن، بحران سیاستهای جنایی در کشورهای غربی مجله تحقیقاتی حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰، ۱۳۷۱.
- ۱۸- رز بنام دنیس، لوریسیوآرتور، پیشگیری وضعی از جرم، ترجمه رضا پرویزی مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۲، ۱۳۷۹.
- ۱۹- رحیمی نژاد، اسماعیل، ۱۳۸۰، آشنایی با حقوق جزا و جرم شناسی، چاپ دوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ۲۰- زراعت، عباس، ۱۳۸۷، شرح قانون مجازات اسلامی، چاپ چهارم، تهران، نشر فیض.
- ۲۱- زراعت، عباس، مهاجری، علی، ۱۳۸۳، آئین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ دوم، تهران، انتشارات فکر سازان.
- ۲۲- ساکی، بهروز بررسی تطبیقی سیاست جنایی سازمان ملل متحد ایران در قبال بزهکاری اطفال، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷.
- ۲۳- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۵، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ چهاردهم، انتشارات مجد.
- ۲۴- شکری، رضا، ۱۳۸۹، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ نهم، تهران، نشر مهاجر.
- ۲۵- صانعی، پرویز، ۱۳۷۶، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ هفتم، نشر گنج دانش.
- ۲۶- صلاحی، جاوید، ۱۳۸۹، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان.
- ۲۷- علی آبادی، عبدالحسین، ۱۳۷۳، حقوق جنایی، جلد اول، چاپ سوم، تهران، نشر فردوس.
- ۲۸- کریستین، لازرژ، ۱۳۹۹، سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ هشتم، تهران: نشر یلدا.
- ۲۹- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۸، حقوق جزای اختصاصی، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳۰- مقیمی، جواد، مسئولیت قوه قضائیه در پیشگیری از وقوع جرم ویژه نامه هفته قوه قضائیه، شماره پنجم، ۱۳۸۰.